

## ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)

دکتر سیدیچی (رحیم) صفوی<sup>۱</sup>

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه امام حسین (ع)

حسین مهدیان

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک، جایگاه ویژه‌ای را در بازی‌های قدرتی نظام جهان باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهان، اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این روی، هر یک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی قابل قبول از جایگاه امنیت انرژی خود در جهان می‌باشند. در این میان ایران با واقع شدن در مرکز بیضی استراتژیک انرژی جهان و با در دست داشتن دومین منابع نفت خام و گاز طبیعی جهان، از جایگاه مهمی در مباحث امنیت انرژی جهانی برخوردار می‌باشد.

ایران برای بهره جستن از این قابلیت انرژی خود نیازمند داشتن شرکای استراتژیک انرژی می‌باشد و برای نیل به این هدف کشورهای آسیایی خصوصا کشورهای چین و هند با بازار تقاضای رو به رشد برای انرژی تا آینده‌ای قابل پیش بینی در کنار جایگاه تاثیر گذار این کشورها در نظام جهانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این پژوهش بر آن است که با روشی توصیفی و تحلیلی به بررسی ارتباط ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی کشورهای یاد شده بپردازد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، انرژی، امنیت انرژی، ژئوپلیتیک انرژی و مطالعات فرسنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### مقدمه

بر اساس پیش‌بینی سال ۲۰۰۹ اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) تا سال ۲۰۳۰ تقاضا برای انواع انرژی با روندی معقول افزایش می‌یابد. همین پیش‌بینی نشان می‌دهد که تقاضا برای نفت خام و گاز طبیعی نیز با رشد متوسط سالانه ۱/۷٪ و ۱/۲٪ در حال افزایش می‌باشد. این رشد تقاضا برای منابع نفت خام و گاز طبیعی علاوه بر کشورهای صنعتی، در کشورهای در حال توسعه نیز با سرعت بیشتری در حال افزایش است. تا جایی که در سال ۲۰۳۰ بیشتر از ۶۰ درصد افزایش تقاضا مربوط به کشورهای در حال توسعه خصوصا هند و چین می‌باشد (EIA, 2009).

چنین وضعیتی با در نظر گرفتن پراکندگی نامتناسب منابع نفت و گاز و بعضا دوری مراکز عمده مصرف از آنها، در کنار مشکلات دسترسی آسان و بدون دغدغه به منابع و بازارها برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، باعث شکل‌گیری

رقابت میان مصرف‌کنندگان برای دستیابی به منابع مطمئن انرژی و همچنین بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با یکدیگر بر سر کسب منافع بیشتر گردیده است.

کشورهای چین و هند با مصرف روزانه ۷/۹۹ و ۲/۸۸ میلیون بشکه نفت خام به ترتیب دومین و چهارمین مصرف‌کننده بزرگ نفت خام جهان می‌باشند (Bp,2009,p11). این کشورها (چین و هند) بیش از نیمی از تقاضای مصرف خود را از خارج وارد می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود با توجه به رشد بالای اقتصادی و کاهش منابع داخلی این کشورها، تقاضای واردات نفت خام آنها افزایش چشمگیری داشته باشد.

کشورهای مذکور در خصوص گاز طبیعی نیز با توجه به ویژگی‌های ذاتی و بخصوص سازگاری این محصول انرژی را با محیط‌زیست، در آینده‌ای نزدیک از جمله مصرف‌کنندگان بزرگ این محصول انرژی را به شمار خواهند رفت و عمده تقاضای این کشورها به دلیل تولید نیروی الکتریسیته خواهد بود. نیاز فزاینده کشورهای مذکور به واردات نفت خام و خصوصاً گاز طبیعی، فرصت‌های مناسبی را در اختیار تولیدکنندگان نفت خام و گاز طبیعی جهان و بویژه ایران قرار می‌دهد (بهریزی فر، ۱۳۸۵: ۷).

ایران می‌تواند با استفاده از قابلیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک انرژی خود، ضمن کسب درآمد، از افزایش قدرت اقتصادی خود در راستای توسعه و افزایش قدرت ملی خود در همه ابعاد استفاده نماید. ایران با دارا بودن موقعیت ارزنده‌اش در ژئوپلیتیک انرژی، می‌تواند با ایفای نقش موثری در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی و پیوند زدن منافع و امنیت ملی خود به امنیت انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان، منافع و امنیت ملی خود را نیز تامین نماید. چیزی که تاکنون در عمل مشاهده شده، بسیار کمتر از ظرفیت بالقوه کشور است و حتی تاکنون بسیاری از موقعیت‌های بالقوه انرژی کشور با کمترین استفاده از دست‌رفته است و یا نصیب رقیبان منطقه‌ای ایران گردیده است.

#### اهمیت تحقیق

امروزه هر یک از کشورها برای تحصیل منافع خود، قبل از هر چیزی به ظرفیت‌های بالقوه خود نگاه می‌کنند و با نگاه به آنها، اهداف و اولویت‌ها را مشخص و استراتژی کسب آنها را تدوین می‌نمایند. در این میان یکی از ظرفیت‌های بالقوه ایران برای تامین بهتر منافع ملی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ارزشمند انرژی کشور برای بدست آوردن تقاضای انرژی کشورهای مختلف از جمله چین و هند می‌باشد. از این رو روشن نمودن قابلیت‌های ژئوپلیتیک انرژی جمهوری اسلامی ایران و بیان ظرفیت‌های موجود و آتی کشورهای مذکور، در راستای اهداف یاد شده، ضروری به نظر می‌رسد.

#### روش تحقیق

این مقاله روشی توصیفی داشته و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. در این تحقیق بررسی سوابق موجود و اطلاعات مربوطه، با مراجعه به مراکز علمی تحقیقاتی و مراکز مختلف، با استفاده از فیش برداری و همچنین روش دلفی، به جمع‌آوری اطلاعات لازم در رابطه با این موضوع اقدام شده است.

ابزارهای گردآوری اطلاعات هم عبارتند از: کتب، مقالات، گزارشات، اینترنت. ضمن اینکه مصاحبه با کارشناسان و اهل فن مربوط از نظر دور نشده است.

## مفاهیم نظری تحقیق

### ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. انرژی‌های فسیلی بویژه نفت خام و گاز طبیعی از آن حیث که در بیان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

بنابراین با توجه به اینکه انرژی از منابع کمیاب زمین‌است و بهترین منابع در بازی‌های قدرتی منابع کمیاب هستند لاجرم منابع کمیاب اهمیت ژئوپلیتیک بالایی دارند. یعنی امکان زیادی را برای پیشبرد اهداف در رقابت‌های قدرتی بدست می‌دهند (مجتهدزاده، مصاحبه حضوری، ۱۳۸۸/۴/۱۰). زیرا بنیاد توسعه صنعتی بر انرژی است. بزرگترین کانونهای مصرف انرژی جهان، مناطق توسعه‌یافته بانرخ رشد بالای اقتصادی هستند. از این رو صنعت با مواد هیدروکربنی (نفت و گاز) پیوند ناگسسته دارد. این پیوند ناگسسته بین انرژی و صنعت اساس قدرت در سده بیست و یکم است. لذا در مناسبات قدرت در روابط بین‌الملل چیرگی بر کانون‌های تولید مواد هیدروکربنی و مسیر انتقال آنها بویژه گاز طبیعی در آینده بسیاری از کنشگرهای امروزی واحدهای سیاسی است (کاوینی راد، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

کنترل منابع انرژی برای استقلال و امنیت ملی همه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده آن حائز اهمیت است. کشورهای تولیدکننده با تلاش برای کنترل و حفاظت مستمر از منابع حیاتی و درآمدزای خود، مایل به مشارکت فعالانه و عادلانه در روند رشد اقتصاد جهانی و استفاده بهینه از منابع آن برای توسعه اقتصادهای ملی و افزایش استانداردهای زندگی مردم در جهت نیل به منابع و اهداف ملی خود می‌باشند. متقابلاً کشورهای مصرف‌کننده نیز تمایل به تضمین جریان دریافت انرژی با پایین‌ترین سطح قیمت و برقراری امنیت راهبردی و حمل و نقل آن به بازارهای هدف هستند (موحدیان، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

بدین ترتیب، مساله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، اتمی، خورشیدی و غیره و نیز انتقال انرژی از مکانهای برخوردار به مکان‌های و فضاهای بدون انرژی و نیازمند، و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی همچنین تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۲).

### امنیت انرژی

امنیت انرژی به تولید و مصرف روان انرژی (خصوصاً نفت و گاز) اطلاق می‌شود، چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل و نقل (تولید، توزیع و مصرف) آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده‌ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطوئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست‌های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط‌زیستی ناشی از مصرف برخی سوختها و انرژی‌های جایگزین را در بر می‌گیرد (Winstone, 2007, p1).

به طور کلی امنیت انرژی دارای مفهوم وسیع امنیتی می باشد اما به نظر می رسد که ترکیبی از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی است (Oyama, 2000, p3). امنیت نظامی از حیث عدم تهدید نظامی در حین تولید و حمل و نقل تا رسیدن به مقصد حائز اهمیت می باشد و امنیت اقتصادی به مسائل سرمایه گذاری مناسب برای تولید، توزیع و همچنین قیمت های متعادل حامل های انرژی، مربوط می باشد.

در عصر کنونی تمرکز سیاست انرژی به ورای حوزه صرفا نظامی رفته (موسوی شغایی، ۱۳۸۵: ۴) و نقش انرژی در اقتصاد جهانی به گونه ای افزایش یافته است که رابطه ای مستقیم و هماهنگ با موضوعاتی همانند رشد اقتصادی، رکود و موازنه تجاری کشورها پیدا کردن است (متقی، ۱۳۸۶: ۱۰).

با توجه با اینکه انرژی یکی از کلیدهای راندن اقتصاد نوین جهانی است، هر گونه اختلال فیزیکی در عرضه و یا تغییر عمده در قیمت ها، به طور جدی فعالیت های اقتصادی جهان را تحت تاثیر قرار می دهد. و برای توسعه پایدار جهانی یک تعادل مناسب بین عرضه و تقاضا انرژی جهان مورد نیاز می باشد. عدم توازن بین عره و تقاضای انرژی، امنیت انرژی جهانی را با مشکل مواجه می نماید (Jean, 2007, p1) همچنین اثر اختلال یا انقطاع عرضه نفت و شوک های قسمت بر کارایی و کارکرد اقتصادی واردکنندگان اصلی نفت عمیق خواهد بود. اکنون پذیرفته شده که بحران های نفتی دهه ۱۹۷۰ رشد تولید ناخالص داخلی غرب را نیز در رکود فرو برده است. این خط و مسیر استدلال جدید دغدغه های امنیت انرژی را گسترش داده است (موسوی شغایی، ۱۳۸۵: ۴). از این روی تضمین امنیت انرژی برای اقتصاد مدرن یک امر ضروری است. زیرا آنها به شدت به انرژی وابسته هستند و برنامه ریزی دراز مدت اقتصادی آنها به ثبات در دسترسی به انرژی بستگی دارد (Jffe, 2007, p1).

بنابراین امنیت انرژی یک عامل موثر بر نحوه رفتار سیاسی-اقتصادی کشورها و سیاست های امنیت بین المللی است (Ebinger, 2007, p2).

ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می رسد که از ۱۹۳ کشور جهان هیچ کدام امنیت انرژی مستقلی ندارند (Verrastro, 2007, p96) و در میان مصرف کنندگان و تولیدکنندگان وابستگی متقابل وجود دارد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۲). بنابراین کسانی که از واژه امنیت انرژی به مفهوم عرضه مداوم و مطمئن با قیمت های معقول در حامل های انرژی استفاده می کنند، به دنبال آن هستند که تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، تکنیکی، زیست محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کم نمایند. اما مراد از بکار بردن این واژه توسط سیاستمداران ناظر بر این موضوع است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد. ثانياً این منابع بصورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی و همچنین مسیرهای انتقال باشند و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تامین گردند که احتمال ثبات و عدم تغییر در حکومت های آنان، دراز مدت و طولانی باشد. بنابراین مصرف کنندگان نفت و گاز، امنیت انرژی را از دیدگاه خود مطرح می سازد و طبیعی است که تولیدکنندگان نیز بدنبال تعریف خاص خود از این مفهوم باشند. امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه رشد منطقی قیمت در آینده دسترسی داشته باشند، زیرا اکثر تولیدکنندگان از گروه اقتصادهای تک سلولی هستند که به فروش نفت عمیقاً وابسته اند و هرگونه احتمال کم شدن تقاضا و یا توجه کشورهای توسعه یافته به انرژی جایگزین و یا

ترجیح آنان در تامین نفت و گاز از کشورهای غیر اوپک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورهاست (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

### یافته های تحقیق

#### وضعیت انرژی (نفت و گاز) ایران

جمهوری اسلامی ایران در مقام دومین دارنده نفت و گاز جهان برای امنیت انرژی جهان از موقعیتی منحصر بفرد برخوردار می باشد. ذخایر عظیم نفت ایران (۱۳۸/۴ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۸) یکی از پنج ذخایر بزرگ دنیا از نظر دوام هستند که با روند تولید کنونی بیش از ۸۶/۹ سال دوام خواهند آورد (BP, 2009, p6) (جدول ۳).

جدول ۳: ذخیره، تولید و عمر ذخایر نفت خام ایران (ژانویه ۲۰۰۹)

ایران	ذخیره در پایان سال	ذخیره در پایان سال	ذخیره در پایان سال	تولید در پایان سال	درصد از	عمر ذخائر
	پایان سال ۱۹۸۷	پایان سال ۲۰۰۵	پایان سال ۲۰۰۹	۲۰۰۸ میلیون بشکه در روز	ذخائر جهانی	(سال) ذخیره بر تولید
نفت خام	۹۲/۹	۱۳۷/۵	۱۳۸/۴	۴/۱	۱۱/۲	۸۶/۹

منبع: Bp 2008, P6

ایران همچنین با ذخیره گازی (۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب) ۱۶ درصد از ذخائر گازی جهان را در اختیار دارد. این ذخائر با روند تولید کنونی بیش از یکصد سال عمر خواهند داشت (Bp, 2009, p22)

جدول ۴: ذخائر طبیعی ایران از ۲۰۰۹ - ۱۹۸۶

ایران	ذخیره در پایان	ذخیره در	ذخیره در	ذخیره ژوئن	تولید در	درصد از	عمر ذخائر
	۱۹۸۶ (تریلیون مترمکعب)	پایان ۱۹۹۶ (تریلیون مترمکعب)	۲۰۰۵ (تریلیون مترمکعب)	ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون مترمکعب)	پایان ۲۰۰۸ (تریلیون مترمکعب)	ذخائر جهانی	(ذخیره بر تولید)
گاز طبیعی	۱۳/۹۶	۲۳/۰	۲۷/۵۸	۲۹/۶۱	۱۰۴۵/۷	۱۱۶/۳	بالای یکصد سال

منبع: Bp 2008, P22. EIA, 2009, pp 46

میزان ذخایر نفت و گاز طبیعی ایران بیان کننده این واقعیت است که ایران ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از محوری ترین شرکای مصرف کنندگان بزرگ جهان را دارا می باشد. بعد دیگری که باعث ارتقای اهمیت انرژی جهانی می گردد، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان می باشد. جفری کمپ در کتاب جغرافیای استراتژیک خاورمیانه بادر نظر گرفتن اینکه، حدود ۷۰ درصد ذخایر نفت و بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان در بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر واقع گردیده آن (بیضی انرژی) را یکی از مهمترین موقعیت های استراتژیک دوران کنونی می داند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۷) و ایران در مرکز این بیضی استراتژیک انرژی قرار دارد.

#### انرژی ایران و امنیت انرژی چین

بر مبنای آمار سازمان بین المللی انرژی، آسیای در حال توسعه، تقاضا برای انرژی در جهان را تا سال ۲۰۳۰، ۴۲ درصد افزایش خواهد داد. این در حالی است که ایالات متحده و کانادا در همین مدت فقط ۲۶ درصد تقاضای جهانی برای انرژی را افزایش خواهد داد. در واقع، نیاز روبه افزایش کشورهای آسیایی به انرژی و لزوم تامین آن از منابع خارجی، موضوع اهمیت انرژی را به مسئله ای حیاتی برای این کشورها تبدیل کرده است. در میان کشورهای آسیایی چین با

داشتن بالاترین میزان مصرف و نرخ رشد مصرف و نیز برخورداری از سریع‌ترین رشد اقتصادی، نگرانی‌های جدی‌تری در خصوص تضمین جریان انرژی مورد نیاز اقتصاد خود دارد، زیرا دستیابی به منابع مطمئن انرژی، عاملی اساسی در تضمین تداوم مدرنیزاسیون و به مثابه انتخاب استراتژیک چین می باشد (واعظی، ۱۳۸۵).

چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان، بعد از ایالات متحده آمریکا دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت خام در جهان محسوب می‌شود. با افزایش رو به رشد تقاضا و واردات نفت از سوی چین سبب شده است، این کشور به یکی از عناصر مهم و تاثیرگذار در بازار جهانی نفت تبدیل شود. بطوری که این کشور در سال ۲۰۰۳ با پشت سر گذاشتن ژاپن به دومین کشور سبزرگ مصرف‌کننده نفت در جهان تبدیل گردیده است.  
([www.aftab.ae/overload.php](http://www.aftab.ae/overload.php)).

میزان رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۰۸، ۹/۹ درصد بوده و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز با اندکی کاهش، اما باز هم بالای ۹ درصد حفظ شود (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۷/۵/۵ و شماره ۷۳۹). از این رو، رشد سریع اقتصادی چین و ادامه گسترش تولیدات صنعتی آن، تقاضا برای انرژی و مواد خام را سخت افزایش داده است (میری، ۱۳۸۷: ۲۹۳).  
در سال ۲۰۰۷ چین بیش از ۱۲ درصد تقاضای انرژی جهانی را به خود اختصاص داده است. نرخ رشد تقاضای انرژی این کشور چهار تا پنج برابر سریعتر از سایر مناطق جهان می باشد. البته اقتصاد چین همچنان به مصرف زغال سنگ وابسته خواهد بود. زیرا زغال سنگ ۶۴ درصد تقاضای انرژی چین را دربرمی‌گیرد. چین بزرگترین مصرف‌کننده زغال سنگ در جهان می باشد و مصرف زغال سنگ این کشور بیش از ۳۰ درصد مصرف جهانی این محصول انرژی را می باشد (A.Khan, 2008, p2-3).

مصرف زغال سنگ چین در سال ۲۰۰۸ میلادی بیش از ۱۴۰۰ میلیون تن بوده است (Opec, 2009, p41). البته وابستگی چین به زغال سنگ مشکل عمده و حادی نمی باشد اما نشان‌دهنده دو مشکل می باشد:  
اولا مصرف زغال سنگ نشان‌دهنده بهره‌وری کم و بازدهی کم انرژی می باشد. ثانيا کاربرد زغال سنگ در مقیاس وسیع به علت آلاینده بودن آن، باعث ایجاد آلودگی گسترده‌ای می گردد (A.Khan, 2008, p2-3).

در مورد منابع انرژی فسیلی چیزی که برای چین نگران‌کننده خواهد بود، شکاف رو به گسترش میان تولید داخلی و مصرف نفت خام می باشد. چنین وضعیتی بی‌شک چین را به گونه‌ای روزافزون به نفت وارداتی وابسته خواهد کرد. نیاز چین به نفت وارداتی از ۲۰ میلیون تن در سال ۱۹۹۶ به ۷۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۲ و ۱۰۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ رسیده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این رقم در سال ۲۰۱۰ به ۱۵۰ میلیون تن و در سال ۲۰۲۰ تا ۳۰۰ میلیون تن می‌رسد. به عبارت دیگر، وابستگی چین به نفت وارداتی از ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۷، ۶۰ درصد در سال ۲۰۱۰ (واعظی، ۱۳۸۵، ۶۹/۵) درصد در سال ۲۰۲۰ می‌رسد (Fujitomi, 2003, p 20). این بدان علت است که سهم نفت خام در سبد مصرف انرژی چین از ۲۱/۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۷/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش خواهد یافت. سهم گاز طبیعی نیز از ۳/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۷/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش می‌یابد (A.Khan, 2008, p 2-3).

بر اساس پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، میزان تولید نفت خام چین که در سال ۲۰۰۶، روزانه ۳/۹ میلیون بشکه در روز بوده است، با رشد منفی (۰/۹-) درصد در طول دوره ۲۰۰۷-۲۰۳۰، به ۳/۱۹ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا می‌کند. این درحالی است که براساس اعلام گمرک چین، میانگین تقاضای نفت خام کشور چین در سال‌های

۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به ترتیب معادل ۸/۰۳ میلیون بشکه و ۸/۴۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود که میزان رشد سالانه آن ۵/۸۸ درصد و ۵/۲۳ درصد می باشد. این تقاضا برای مصرف با ۳ درصد رشد در طول دوره ۲۰۰۸-۲۰۳۰، به ۱۵/۰۸ میلیون بشکه در روز، برای سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (EIA, 2009).

وضعیت انرژی چین نشان می دهد که از یک سو تقاضای انرژی در این کشور، به تبع رشد اقتصادی آن به شدت در حال افزایش می باشد. شدت وابستگی به منابع خارجی هنگامی روشن تر می گردد که توجه داشته باشیم، چین به رغم رشد بالای اقتصادی در این سالها، هنوز با وجود برخورداری از ۲۰ درصد جمعیت جهان، تنها ۴ درصد از GDP جهان را تولید می کند. بنابراین، هنوز ظرفیت عظیمی برای رشد GDP و به تبع آن رشد مصرف انرژی در این کشور وجود دارد و این میزان انرژی مازاد عمدتاً باید از منابع خارجی تامین شود (واعظی، ۱۳۸۵). به همین علت چین در راستای استراتژی امنیت انرژی خود در طول دهه ۱۹۸۰، سه شرکت بزرگ نفتی را تشکیل داد. این شرکت ها در طول یک دهه در صنایع نفت و گاز کشورهای مختلف از جمله کانادا، ونزوئلا، قزاقستان، عراق و سودان سرمایه گذاری نموده اند (A.Khan, 2008, p7-8).

منطقه آسیای میانه نیز با توجه به منابع قابل ملاحظه انرژی نفت و گاز و همچنین قرابت جغرافیایی با کشورهای چین، از اهمیتی استراتژیک برای این کشور برخوردار می باشد. کشور چین در سمت غرب با کشورهای قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان، ۳۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد (Xuanli, 2006, 62). همسایگی این کشورها با کشور چین و نزدیکی منابع انرژی آنها، امکان انتقال نفت و گاز این کشورها را از طریق خط لوله به سمت چین فراهم آورده است. مزایای یاد شده، در کنار اهمیت ژئواستراتژیک این منطقه باعث گردیده که چین خصوصاً پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و ورود ایالات متحده به این منطقه، در اعاده نفوذ طبیعی خود در این منطقه، مصمم تر باشد (Xuanli, 2006, p 68) و در راستای اهداف امنیت انرژی خود با برخی کشورهای آسیای میانه در زمینه نفت و گاز قراردادهای مختلفی را منعقد نموده است. مهمترین این قراردادها، قرارداد انتقال منابع انرژی قزاقستان به چین از طریق خط لوله می باشد. این کشور، مذاکره بر سر ایجاد خط لوله نفتی با قزاقستان را در سال ۱۹۹۷ شروع کرد، اما تا سال ۲۰۰۳ قرارداد آنرا نهایی نکرد. قرارداد خط لوله مذکور مابین کشورهای چین و قزاقستان منعقد گردیده و احداث آن در سپتامبر ۲۰۰۴ شروع شده و فاز اول آن به طول ۹۶۰ کیلومتر در دسامبر ۲۰۰۵ به اتمام رسیده است. این خط لوله که ۳۰۰۰ کیلومتر طول دارد برای سال ۲۰۱۱ تکمیل و به بهره برداری می رسد (Tatsuo, 2006, p1).

چین همچنین در ۱۹۹۶ توافقنامه ای با کشور ترکمنستان در زمینه احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به چین امضا کرد. هزینه این احداث خط لوله حدود ۱۲ میلیارد دلار آمریکا برآورد گردیده و شرکت ملی نفت چین و شرکت میتسویشی ژاپن سرمایه گذار آن می باشند (Lan And Paik, 1998, pp112-113).

اما اصلی ترین منطقه تامین انرژی چین از دیدگاه آنها (چینی ها) منطقه خاورمیانه خصوصاً حوزه خلیج فارس می باشد. زیرا این کشور در سال ۲۰۰۷، ۶۱ درصد نفت خود را از منطقه خاورمیانه تامین نموده است (مادسن، ۲۰۰۷). اما حضور همه جانبه ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه جهت کنترل و سیطره بر اصلی ترین منطقه تامین کننده انرژی دنیا، بر وابستگی چین به منابع انرژی خاورمیانه و همچنین سرمایه گذاری این کشور در این منطقه تأثیرات نامطلوبی بر جای گذاشته است.

در ژوئن ۱۹۹۷ کنسرسیومی از شرکت‌های چینی قرارداد ۲۲ ساله توسعه میدان نفتی الاحداب (دومین میدان نفتی بزرگ جهان بعد از میدان قوار عربستان سعودی) با کشور عراق را برای بعد از اتمام تحریم‌های شورای امنیت منعقد نمودند. همچنین شرکت ملی نفت چین قبل از تهاجم به عراق، قرارداد توسعه سه میدان دیگر (هلفایا، لاهیض و سوبا) را نیز با کشور عراق منعقد نمود. این طرح‌ها پس از تهاجم آمریکا به عراق و تصرف این کشور، با مشکل مواجه گردیده و عملاً عقیم مانده اند (A.Khan, 2008, p7-8).

از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کنار نیاز فزاینده چین به انرژی و همچنین قرار گرفتن بیش از ۷۰ درصد منابع انرژی جهان در خاورمیانه از سوی دیگر، به احتمال قریب به یقین چین را از "حاشیه به متن" خاورمیانه خواهد آورد. تحلیل‌گران امنیت انرژی چین معتقدند که این کشور در آینده بر سر منابع نفتی خاورمیانه با آمریکا و متحدینش وارد رقابت جدی خواهد شد. آنان این موضوع را نیز درک می‌کنند که کنترل نفت خاورمیانه تا حد زیادی در اختیار آمریکاست و نیز ژاپن و اروپا به عنوان شرکای آن، وارد کنندگان مهم نفت این منطقه‌اند. این دو در ترکیب با یکدیگر، وضعیت سختی را برای چین ایجاد می‌کند، زیرا این کشور مجبور به مبارزه در شحنة ای است که ابزار متناسب با آن (یعنی نفوذ) را ندارد. به همین دلیل از دیدگاه چینی‌ها، ایران، می‌تواند از اصلی‌ترین تامین‌کنندگان امنیت انرژی این کشور در منطقه خاورمیانه باشد. یکی از دلایلی که ایران مورد توجه آنهاست، این است که ایران از جاهایی است که کمتر در زیر نفوذ کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا قرار دارد (ملکی، ۱۳۸۶: ۱۱).

از آنجایی که چین یکی از بازارهای بزرگ مصرف دنیاست و ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در جهان است، چین یک بازار قابل اتکا برای ایران و ایران نیز با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز یک تامین‌کننده قابل اتکا برای چین محسوب می‌شوند. از نظر دو طرف امنیت انرژی و امنیت تولید و عرضه آن بسیار مهم است (وردی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰).

ایران اکنون مرکز ثقل مهمی در ساختار امنیت انرژی چین محسوب می‌شود. چین دومین واردکننده بزرگ نفت از ایران، در آسیا به شمار می‌رود. این کشور طی سه ماه نخست سال ۱۳۸۸ روزانه بیش از ۴۸۴ هزار بشکه نفت از ایران وارد کرده است. ایران ابتدا در سال ۲۰۰۵ در رتبه سوم از نظر کشورهای صادرکننده نفت به چین بود و تنها ۱۴ درصد از نیازهای وارداتی نفت چین را تامین می‌کرد، اما بعد از امضای توافق‌نامه‌های سالهای اخیر میان دو کشور، ایران به یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت به چین مبدل گردیده است و در حال حاضر (سال ۲۰۰۹) ایران دومین صادرکننده نفت به چین به شمار می‌رود و بصورت موقت در ماه می ۲۰۰۹ نفت ایران به چین برای اولین بار از عربستان سعودی جلو افتاد. ایران به عنوان پنجمین صادرکننده بزرگ نفت جهان در ماه می ۲۰۰۹، سه میلیون و ۸۸ هزار تن معادل روزانه ۷۲۷ هزار بشکه نفت خام به چین صادر نموده است که نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۸، ۸۸ درصد رشد داشته است (خبرگزاری شانا، ۱۳۸۸/۴/۱).

در زمینه سرمایه‌گذاری نیز، ایران در دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۰۵، فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسبی را پیش روی کشورهای ژاپن (میدان آزادگان) و چین (میدان یادآوران) قرار داد و مشوق‌های مفیدی را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های ژاپن، چین و دیگر رقبای انرژی ایجاد نموده است. ژاپن به‌علت روابط خاص ژاپن-آمریکا و وابستگی‌های سیاسی استراتژیک این کشور به ابالات متحده و با توجه به مخالفت این کشور برای سرمایه‌گذاری در ایران، تاکنون

نتوانسته است بصورت جدی طرح‌های سرمایه‌گذاری خود را در ایران پی‌گیری نماید. در عوض چین با در نظر گرفتن وابستگی‌های ژئوپلیتیک قوی خود با ایران، از فرصت‌های لازم استفاده نموده است. بطوری که در اکتبر ۲۰۰۴ سه شرکت اصلی نفت چین قرارداد ۷۰ میلیارد دلاری ۳۰ ساله‌ای را برای توسعه میدان نفتی یادآوران و تولید ۲۵۰ میلیون تن گاز مایع را با شرکت ملی نفت ایران انعقاد کردند (Calder, 2007, pp24-25).

شرکت ملی نفت چین همچنین طی ماه ژانویه ۲۰۰۹ قرارداد توسعه میدان نفتی آزادگان را با شرکت ملی نفت ایران به امضا رساند. ارزش این قرارداد در فاز نخست ۲ میلیارد دلار است. بر اساس فاز اول نخست که ۴۸ ماه به طول انجامید ظرفیت تولید این میدان به ۷۵ هزار بشکه در روز می‌رسد. چین متمایل به سرمایه‌گذاری در دریای خزر نیز می‌باشد. بطوری که در حال حاضر شرکت‌های این کشور رایشی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز احتمالی ایران در دریای خزر را شروع کرده اند ([www.petroneers.ir](http://www.petroneers.ir)).

چین برای توسعه خود، نیاز به انرژی تمیز دارد و این انرژی تمیز تا حدود زیادی در گرو مصرف گاز است که ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان آن است (وردی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱). در این راستا، شرکت ملی نفت چین با امضای قرارداد ۴/۷ میلیارد دلاری قصد مشارکت و سرمایه‌گذاری در یکی از فازهای پارس جنوبی را دارد و قرار است این شرکت جایگزین توتال فرانسه شود. این شرکت در حال مذاکره با ایران برای خریداری ال.ان.جی تولیدی فاز ۱۴ پارس جنوبی می‌باشد. ارزش این قرارداد ۳/۶ میلیارد دلار برآورد شده است ([www.petroneers.ir](http://www.petroneers.ir)).

سهم‌کاری‌های ایران و چین در بخش انرژی با امضا تفاهم نامه مهم همکاری بین دو کشور نهایی شده است. در سند تفاهم نامه میان دو دولت موارد مهمی از جمله محورهای زیر قرار دارد:

۱- همکاری بلندمدت ایران و چین در زمینه نفت و گاز بدین معنی است که همکاری‌های دو طرف در عرصه همکاری‌های انرژی ۲۵ تا ۳۰ ساله خواهد بود و جریان صادرات نفت ایران به چین و خرید نفت توسط چین از ایران بصورت بلند مدت تضمین گردید.

۲- خرید سالانه ده میلیون تن گاز مایع (LNG) از ایران. واگذاری بازار ده میلیون تنی گاز مایع به ایران از سوی چین، یک تصمیم راهبردی تلقی می‌شود و در صورت توافق نهایی دو طرف، این صادرات تا ۲۵ سال آینده ادامه خواهد داشت (وردی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱). در این زمینه قرارداد ۵۰ میلیارد دلاری تولید روزانه ۵۰ میلیون متر مکعب گاز پس از ۹ سال تاخیر شرکت توتال و پایان مهلت ۹ ماهه ایران به شرکت توتال در خرداد ماه ۱۳۸۸ بین ایران و شرکت ساینوپک چین به امضا رسید

(<http://www.saipaonline.com/view-5117.html>)

۳- واگذاری امتیاز توسعه برخی میدان‌های نفتی به چین

دولت ایران در مقابل یک تعهد متقابل، موافقت نموده است که امتیاز توسعه یکی از میدان‌های نفتی خود (میدان یادآوران) را به چین واگذار نماید. این تصمیم برای دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است و شرکت‌های نفتی چین با این تصمیم ضمن دسترسی به چاه‌های استراتژیک منطقه نفتی خلیج فارس، به مهمترین میدان رقابت بین المللی انرژی پای خواهند گذاشت (وردی نژاد، ۱۳۸۶، ۲۱-۲۰).

## انرژی ایران و امنیت انرژی هند

هند در حال حاضر یکی از سریعترین اقتصادهای در حال رشد در جهان است و با سهم ۳/۵ درصد تقاضای انرژی جهانی پنجمین انرژی در جهان می باشد (Srivastava & Mathur, 2007, p1).

مجموع انرژی مصرفی هند در سال ۲۰۰۶، ۱۷/۷ کادریلیون<sup>۲</sup> / بتا<sup>۳</sup>، بوده است (EIA, 2006). و پیش بینی می شود با میانگین رشد سالانه ۲/۵ درصد تا سال ۲۰۳۰ به ۲۳/۳ کادریلیون / بتا برسد. در سال ۲۰۰۶ زغال سنگ با ۵۳/۱ درصد بالاترین سهم را در سبد انرژی مصرفی هند داشته است. سوخت های مایع، گاز طبیعی، انرژی های تجدیدپذیر و انرژی هسته ای نیز به ترتیب با ۹/۵، ۶/۷، ۷/۳ و ۱/۱ درصد در رتبه های بعدی جای داشته اند (EIA Projections Plus, 2009). هند سومین مصرف کننده بزرگ زغال سنگ در جهان می باشد. زغال سنگ بیش از نیمی از کل انرژی مصرفی هند را شامل می شود. هرچند هند چهارمین ذخایر زغال سنگ جهان را در اختیار دارد، اما انتظار می رود مصرف زغال سنگ هند به علت مشکلات زیست محیطی، با سرعت کمی کاهش یابد (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲۹). با این وجود پیش بینی می شود در سال ۲۰۳۰ با وجود کاهش نسبی سهم زغال سنگ و سبد مصرفی انرژی هند همچنان این منبع انرژی با میانگین رشد ۱/۷ درصدی بالاترین سهم (۴۹/۳ درصد) را در بین سوخت های مصرفی هند دارا باشد (EIA, 2009).

انرژی اتمی تنها یک درصد از کل انرژی مصرفی هند در بخش تجاری را شامل می شود. در سال ۲۰۰۲ این انرژی ۵ میلیون تن از انرژی تجاری مصرفی هند را تامین می کرد و پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۳۰ به واسطه قرارداد اتمی بین هند و ایالات متحده ۲۹ میلیون افزایش یابد. در حال حاضر ۱۴ کارخانه هسته ای تولید شرکت ملی نیروی هسته ای هند در ایالت های گجرات، تامیل، اتاپرادش، راجستان و ماهاشترا در حال فعالیت هستند که در مجموع توان تولید ۲۳۱۰ مگاوات انرژی را دارند (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲۹).

سهم سوخت های مایع و گاز طبیعی نیز در سبد انرژی مصرفی هند به ترتیب با رشد متوسط سالانه بالای ۲/۴ و ۴/۲ درصد به ۲۹/۷ و ۱۱/۷ درصد افزایش پیدا می کند. این در حالی است که مصرف سوخت های مایع هند در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ با مصرف روزانه ۳/۰۳ میلیون بشکه در روز حدود ۳/۶ درصد از مصرف جهانی سوخت های مایع را داشته است (EIA, Short-Term Energy Outlook-March 2009).

یکی از مشکلات هندوستان در آینده ای نه چنداد دور، کمبود ذخایر نفت خام این کشور و شروع کاهش تولید داخلی می باشد. گزارش سالانه بریتیش پترولیوم، کل ذخایر اثبات شده نفت خام کشور هندوستان در پایان سال ۲۰۰۸ را ۵/۵ میلیارد بشکه اعلام کرده که با تولید کنونی این ذخایر حدود ۱۸/۷ سال دوام می آورند (BP, 2008, p6). در زمینه گاز طبیعی نیز، هند در آینده ای نزدیک از متقاضیان عمده خواهد بود. بیشتر تقاضای هند برای گاز طبیعی به طور عمده به دلیل اجرای پروژه های نیروگاهی، احداث کارخانه های جدید پتروشیمی و عمدتاً مصارف صنعتی می باشد (بهریزی فر، ۱۳۸۵: ۵۶).

پیش بینی می شود مصرف گاز طبیعی هند از ۱/۱ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۰۵ با رشد بالای ۴ درصد به ۳/۹ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۳۰ برسد. این در حالی است که تولید گاز طبیعی این کشور با رشد کمتری از ۱/۱

۱- کادریلیون: عدد یک با ۱۵ صفر به توان ۲

۲- واحد انگلیسی گرما

تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۰۶ به ۲/۴ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد (EIA, Projections Plus, 2009). و این کشور ناچار به واردات روزانه ۱/۱ تریلیون فوت مکعب در روز خواهد بود.

از سوی دیگر ذخایر اثبات شده گاز طبیعی هندوستان نیز در اول سال ۲۰۰۹ میلادی ۳۷/۲۵ میلیارد متر مکعب اعلام گردیده است که حتی با روند تولید کنونی عمر این ذخایر کمتر از ۳۵ سال برآورد گردیده است (Oil & Gas Journal, 2009).

بدین ترتیب بررسی روند تولید و مصرف انرژی در هند مبین این واقعیت است که در آینده نزدیک بین میزان مصرف و تولید نفت خام و گاز طبیعی این کشور شکاف عمیقی در حال ایجاد شدن می باشد و این کشور ناچار است برای تداوم رشد اقتصادی خود این شکاف را با واردات این فراورده ها جبران نماید.

نیاز رو به تزاید هند به واردات نفت خام و گاز طبیعی، فرصت بسیار مناسبی را در اختیار تولیدکنندگان نفت خام، گاز طبیعی و ال.ان.جی جهان قرار خواهد داد. در این میان ایران به دلیل داشتن منابع غنی نفت و گاز و همچنین قربت ژئوپلیتیک با هند، ظرفیت تبدیل شدن به یک شریک انرژی مطمئن برای این کشور را دارد و در حال حاضر، یکی از مهمترین زمینه های همکاری دو کشور ایران و هند، همکاری های انرژی و خصوصا همکاری در زمینه نفت خام و گاز طبیعی می باشد.

در زمینه نفت خام، واردات نفت هند از ایران، در سال مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ روزانه ۴۲۶ هزار و ۳۶۰ بشکه نفت بود که نسبت به سال مالی قبل از آن، ۹/۵ درصد افزایش یافته است. ایران دومین عرضه کننده بزرگ نفت به هند به شمار می رود. در عوض هند بیشترین حجم بنزین و گازوئیل وارداتی ایران را تامین می کند. از نظر سرمایه گذاری نیز، شرکت های او.ان.جی.سی، آی.اوسی و اویل ایندیا، برای سرمایه گذاری سه میلیارد دلاری به منظور توسعه ذخایر گازی بلوک فارسی ایران در حال گفتگو هستند. همچنین مذاکرات او.ان.جی.سی و شرکت هندوچا نیز برای ایفای نقش در توسعه میدان نفتی آزادگان و خرید گاز از پارس جنوبی ادامه دارد. او.ان.جی.سی برای توسعه ذخایر نفت و گاز خزر نیز در حال مذاکره با ایران است (خبرگزاری شانا، ۱۳۸۸/۳/۲۲).

هند یکی از طرف های مذاکره خط لوله گازی موسوم به خط لوله صلح به شمار می رود (عزتی، ۱۳۸۵: ۳۷). این خط لوله ۲۷۷۵ کیلومتری، از میدان گازی پارس جنوبی در جنوب ایران که بزرگترین میدان گازی جهان است، شروع و پس از طی ۱۱۱۵ کیلومتر وارد پاکستان شده و در خاک این کشور نیز، با طی ۷۶۰ کیلومتر و با گذر از ایالت گجرات به هند می رسد. این خط لوله در خاک هند نیز تا مقصد نهایی ۹۰۰ کیلومتر دیگر ادامه می یابد. اگر اسلام آباد به هر دلیلی بخواهد مانع عبور گاز به هند شود، در آن صورت هند قادر خواهد بود جریان گازی پاکستان را در ایالت گجرات قطع کند. بر اساس قرارداد ۲۲ میلیارد دلاری مابین ایران، هند و پاکستان سالانه حدود ۲۷ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از ایران به این کشورها صادر خواهد شد (کاوپانی راد، ۱۳۸۴، ۳۰۹-۳۰۷).

پروژه خط لوله صلح به لحاظ امنیت پروژه در سرزمین پاکستان، هند را نگران کرده است. بی ثباتی بین المللی پاکستان و اختلافات هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و جنبش های جدایی طلبانه در ایالت بلوچستان و نقش بازیگران غیر دولتی در پاکستان، امنیت خط لوله را به خطر انداخته است و از این رو هند با عبور خط لوله از سرزمین پاکستان مخالف است. از منظر ژئوپلیتیکی بعید به نظر می رسد تغییری در مواضع پاکستان در ارتباط با کشمیر

و دیدگاه پاکستان در برابر هندوها ایجاد شود. بنابراین از نظر استراتژیکی عبور خط لوله از پاکستان منافع اقتصادی هند را به خطر می اندازد. هند دلایل محکمی در عدم اعتماد به پاکستان در خصوص عملیاتی شدن پروژه پیشنهادی دارد. هند دلایل محکمی در عدم اعتماد به پاکستان در خصوص عملیاتی شدن پروژه پیشنهادی دارد. نگرانی هند تا جایی است که خواستار تعهد ایران مبنی بر اینکه در صورت قطع گاز از سوی پاکستان، نفت را به نرخ گاز برای هند تامین کند، شده است. تضادهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میان هند و پاکستان و تا حدودی با ایران، مسائلی را بوجود آورده که منافع تجاری سه جانبه را متاثر ساخته است (عزتی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۴). علاوه بر موارد یاد شده، در جریان مذاکرات مربوط به خط لوله صلح، پاکستان (به عنوان کشور مسیر عبور خط لوله)، خواستار دریافت حق ترانزیت شد و این امر سال گذشته هند را برای انصراف از همکاری مصمم تر کرد. هند در نهایت در سپتامبر ۲۰۰۸ از ادامه گفتگو با ایران و پاکستان سر باز زد و اعلام کرد ابتدا خواهان مذاکراتی دوجانبه با پاکستان بر سر هزینه ترانزیت گاز است (خبرگزاری دویچه وله، ۲۷/۵/۲۰۰۹).

پروژه خط لوله صادرات گاز ایران به هند، از عوامل دیگری مانند روابط ایران - آمریکا و روابط آمریکا - هند متاثر می باشد. آمریکا مخالف پیوستن هند به این خط لوله است. ایران و هندوستان، در آغاز دومین دوران ریاست جمهوری جرج بوش، بار دیگر رایزنی هایی را برای اجرایی کردن طرح خط لوله صلح آغاز کردند، اما جرج بوش توانست با رفع تحریم اتمی سی ساله هندوستان و تامین این کشور، مانع از همکاری هند و ایران شود. تا پیش از رفع تحریم، هند، استفاده از منابع گاز ایران را تنها راه تامین انرژی مورد نیاز خود می دانست ([www.hamshahrionline.ir/news/?id=91335](http://www.hamshahrionline.ir/news/?id=91335)).

روش دیگر انتقال گاز ایران به هند، صادرات ال.ان.جی می باشد. در ژانویه ۲۰۰۵ شرکت هندی گایل<sup>۴</sup> و شرکت ملی صادرات گاز ایران قراردادی در زمینه صادرات سالانه ۵/۷ میلیون تن ال.ان.جی از سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ امضا نمودند. قرارداد فروش ال.ان.جی ایران به هند نهایی شده است که بر اساس آن از اواخر سال ۲۰۰۹ سالانه ۵ میلیون تن ال.ان.جی به هند، تحویل داده خواهد شد (بهروزی فر، ۱۳۸۵: ۳۶).

در مجموع می توان چنین عنوان نمود که همکاری های انرژی ایران و هند به ویژه در بخش نفت و گاز، در واقع وسیع ترین حوزه هم تکمیلی اقتصادی ایران و هند است. ایران برای تامین منابع مالی برنامه های توسعه ملی، نیاز به یافتن بازارهای قابل اتکا و مناسب برای منافع نفت و به ویژه گاز خود دارد (صدوقی، ۱۳۸۵: ۱۳). هند نیز یکی از بزرگترین مصرف کنندگان انرژی در جهان است از این رو رابطه با ایران برایش اهمیت بسیار بالایی دارد اما از سویی به دلیل حجم بالای مبادلات تجاریش با ایالات متحده در مقایسه با ایران همواره سیاستی زیرکانه اتخاذ کرده است که نمونه آن سیاست های این کشور در قبال برنامه هسته ای ایران از یک سو و خط لوله صلح و خرید گاز از ایران، از سوی دیگر است، که به شدت تحت تاثیر فشارهای آمریکاست.

### تجزیه و تحلیل

ژئوپلیتیک انرژی منحصربفرد ایران پتانسیل های زیادی را برای تامین منافع ملی کشور و همچنین مرتفع نمودن دغدغه های امنیت انرژی مصرف کنندگان بزرگ انرژی مانند چین و هند دارد. انرژی ایران از اصلی ترین منابع

<sup>۴</sup> GAIL

بالقوه قدرت اقتصادی می باشد و می تواند از طریق افزایش شرکای بزرگ اقتصادی مانند چین و هند، باعث کسب درآمد بیشتر و افزایش قدرت اقتصادی کشور گردد و با در نظر گرفتن اینکه « دولت های قوی از حیث اقتصادی، از توان تاثیرگذاری بالاتری برخوردارند» (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۰۸). متغیر ژئوپلیتیک انرژی می تواند به صورت ایجابی باعث ارتقای وزن ژئوپلیتیک، و در نتیجه تامین منافع و امنیت ملی کشور بشود.

مشارکت و سرمایه‌گذاری قدرت‌های بزرگی مانند چین و هند در صنایع بالادستی نفت و گاز، توان ما را در دیپلماسی انرژی بالا می برد (عادلی، ۱۳۸۷). ایران در جهت دنبال نمودن استقلال سیاسی و اقتصادی هر چه بیشتر خود از غرب نیازمند داشتن شرکای استراتژیک انرژی ارزشمندی می باشد که منافع ملی آنها از طریق امنیت انرژی، با منافع ملی ایران پیوند خورده باشد. به همین دلیل، جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و عقد قراردادهای بلندمدت عرضه انرژی با این کشورها، منافع قابل توجهی برای ایران دارد. زیرا کشورهایی که در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌نمایند؛ با توجه به اینکه حجم قابل توجهی سرمایه‌گذاری می‌نمایند و همچنین منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری، امنیت و منافع ملی ایران را در پیوند با منافع ملی خود می‌بینند. نتیجه چنین امری، بالا رفتن قدرت چانه زنی ایران در برابر قدرت‌های تاثیرگذار در نظام جهانی می باشد.

از سویی کشورهای چین و هند نیز با توجه به اهمیت دسترسی به عرضه مطمئن منابع انرژی برای ادامه رشد اقتصادیشان، هر یک در صدد یافتن شرکای استراتژیک انرژی مطمئن و قابل اتکایی برای خود می‌باشند.

متخصصان روابط بین الملل، با استناد به نظریه‌هایی چون، « ثبات مبتنی بر توسعه<sup>۵</sup> » اذعان می‌کنند که یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمون در هر عصری کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی بوده است. به عبارت دیگر می‌توان صعود و افول قدرت‌های بزرگ را با میزان کنترل آنها بر منابع انرژی زمان خودشان و نیز نوع و مقدار انرژی آنها مرتبط دانست و حتی فراتر از آن حیات و ممات تمدن کنونی بشر با تمامی پیشرفت‌های تکنولوژیکی‌اش را، حداقل تا زمان دسترسی فراگیر به انرژی‌های جایگزین و مقرون به صرفه، وابسته به نفت و گاز قلمداد کرد. این خصوصیات، انرژی را هم به ابزار قدرت و هم هدف قدرت به ویژه در عرصه بین‌الملل تبدیل کرده است (موسوی شفایی، ۱۳۸۵: ۱). بنابراین ایران با خصوصیتی مانند داشتن دومین منابع نفت و گاز جهان و قرار گرفتن در بین دو منطقه از اصلی‌ترین مناطق کانونی انرژی جهان یعنی منطقه خلیج فارس و دریای خزر و همچنین موقعیت ترانزیتی کم‌نظیر یعنی، مجاورت و نزدیکی به مسیرهای انتقال انرژی مناطق خلیج فارس و دریای خزر برای قدرت‌های نوظهور چین و هند، مشترک، و برخی هم مختص یکی از آنها می‌باشد.

هر دو کشور چین و هند با توجه به نیاز رو به تزاید اقتصادشان به واردات نفت و گاز، در پی یافتن شرکای مطمئن انرژی می‌باشند اما شرایط حاکم بر تصمیم‌گیری‌هایی آنها در زمینه‌های متعددی متفاوت است. در میان دو کشور، هند از نظر قرابت جغرافیایی به ایران نزدیک‌تر است و همین امر عامل موثری برای پی‌گیری مذاکرات مربوط به پروژه خط لوله صادرات گاز ایران به شبه‌قاره (موسوم به خط لوله صلح) بوده است. اما مذاکرات تاثیرپذیری سیاست‌های امنیت انرژی هند از سیاست خارجی این کشور، از جمله موانع مهم پیش روی روابط انرژی

<sup>۵</sup> Hegemonic Stability Theory

ایران و هند می باشد که نمود عینی آن، تاثیرگذاری اختلافات هند و پاکستان و همچنین روابط هند و آمریکا، بر توافق نهایی و اجرایی شدن پروژه صادرات گاز طبیعی ایران به شبه قاره از طریق خط لوله می باشد.

در خصوص تاثیر پذیری روابط ایران و هند از روابط هند - آمریکا، به نظر می رسد اگر آمریکا همچنان موضع ارجحت دادن به هند را در آسیا در مقابل چین و روسیه دنبال کند، چشم انداز محدودی برای ایفای نقش راهبردی هند در محیط استراتژیک ایران وجود دارد (صدوقی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۵).

اما شرایط حاکم بر روابط انرژی ایران و چین تا حدودی متفاوت با هند است. چین از نظر سیاسی و اقتصادی در موقعیت و جایگاهی بالاتر از هند قرار دارد. چین در حالیکه برنامه بلندمدت رسیدن به قدرت برتر اقتصادی جهان را پی گیری می کند، که هم اکنون نیز این کشور در صدر وام دهندگان به آمریکا می باشد. بنابراین، اقتصاد قدرتمند در کنار جایگاه سیاسی پررنگ تر چین در نظام بین المللی از جمله عضویت دائم این کشور در شورای امنیت، سبب گردیده که این کشور در تصمیم گیریهای راهبردی خود، کمتر از هند از دیدگاه های آمریکا متاثر شود. نمود آن، ارتقای روابط انرژی دو کشور ایران و چین و اخذ قراردادهای سرمایه گذاری های این کشور در بخش نفت و گاز ایران می باشد.

در حال حاضر به موازات هم سویی سیاسی دو کشور ایران و چین در مسائل مختلف بین المللی، پیگیری همکاری های اقتصادی دو کشور ضروری به نظر می رسد. مهمترین زمینه همکاری اقتصادی دو کشور همکاری های امنیت انرژی می باشد (نمایشی، ۱۳۸۶).

نیاز رو به رشد و بلندمدت چین به واردات نفت و گاز باعث گردیده که این کشور در کنار حیات خلوت انرژی خود یعنی منطقه آسیای مرکزی، نگاهی استراتژیک به روابط انرژی با ایران داشته باشد. از دیدگاه چین، ایران با در دست داشتن دومین ذخایر نفت و گاز جهان و همچنین استقلال در تصمیم گیری سیاسی (خصوصا در برابر آمریکا) قابلیت تبدیل شده به یک شریک انرژی مطمئن و استراتژیک را دارد. و رابطه با ایران می تواند به موازنه قدرت چین با غرب در این منطقه کمک کند.

اما ایران برای دست یافتن به روابط استراتژیک انرژی با کشورهایی در سطح و جایگاه چین و هند، نیازمند اتخاذ دیپلماسی انرژی فعالی می باشد. مطالعات نشان می دهد که ایران فاقد یک استراتژی امنیت انرژی است. و اینکه چه راهبردی برای انرژی باید در نظر گرفت، و امنیت کشور در ارتباط با انرژی چگونه است و منافع ملی را به انرژی پیوند بزند، ضروری می باشد. اگر بتوانیم امنیت ملی و بقای ملی را به بخش انرژی پیوند بزنیم یک گام موفق برداشته ایم.

### نتیجه گیری

یکی از ابزارهایی که جمهوری اسلامی ایران می تواند به نحو موثری منافع ملی خود را با آن تامین نماید، ژئوپلیتیک انرژی منحصر به فرد آن می باشد. علت این امر، اهمیت و جایگاه بالای انرژی (بخصوص نفت و گاز) و امنیت آن در استراتژی امنیت انرژی اکثر مصرف کنندگان و تولیدکنندگان انرژی جهان است. وضعیت بازار انرژی (عرضه و تقاضا) مبین این است که تا آینده ای قابل پیش بینی تقاضا برای انرژی همچنان افزایش خواهد یافت. از این روی اکثر مصرف کنندگان عمده انرژی جهان مانند کشورهای جنوب و شرق آسیا (هند و چین)، به دنبال تامین منابع انرژی مطمئن خود در دراز مدت هستند. ایران با واقع شده در مرکز بیضی استراتژیک انرژی دنیا و با در دست داشتن

دومین منابع نفت و گاز جهان، از جایگاه منحصر بفردی در امنیت انرژی منطقه ای و جهانی برخوردار می باشد و در صورت بکار بردن استراتژی ژئوپلیتیکی مناسب، می تواند با استفاده از ژئوپلیتیک انرژی ایده آل به وجود آمده، وزن ژئوپلیتیک خود را ارتقا دهد.

از این رو، انرژی و امنیت آن می تواند با توجه به اهمیتی که برای مصرف کنندگان دارد به یکی از محمل های پیوند ایران با مصرف کنندگان بزرگ انرژی خصوصا قدرتهای نوظهور آسیایی تبدیل شود. در واقع با هر رابطه تجاری که به واسطه تولید یا تجارت یک منبع انرژی در سطح بین المللی شکل می گیرد، کشورها با یکدیگر پیوند تجاری پیدا می کنند. تداوم ارتباطات بازرگانی میان کشورها به تدریج به روابط دیپلماتیک و نهایتا به روابط ژئوپلیتیک میان آنها تبدیل می شود. به همین دلیل برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مهم و تاثیرگذاری مانند هند و چین در عرصه بین المللی، افزون بر منافع اقتصادی، منافع امنیتی قابل توجهی برای کشور در بر خواهد داشت. زیرا این کشورها را در تامین کالای استراتژیک مورد نیاز و امنیت آن به میزان قابل توجهی به ایران وابسته می کند.

با نگاه مختصری به سطح روابط انرژی ایران و کشورهای هند و چین، با این واقعیت روبرو می شویم که برای دست یافتن به ظرفیت های واقعی باید گامهای موثری از سوی طرفین برای برداشتن موانع موجود برداشته شود. کشورهای چین و خصوصا هند برای داشتن روابط استراتژیک انرژی با جمهوری اسلامی ایران، نیازمند سیاست انرژی مستقلی می باشند، که از روابط ایران با غرب و خصوصا ایالات متحده آمریکا متأثر نگردد.

#### منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۵). هند و چین بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران، تهران: موسسه مطالعات بین المللی انرژی، بهار
- توحیدی، ام البنین (۱۳۸۶). امنیت انرژی و جایگاه هند در روابط بین الملل، تهران: ماهنامه همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۲، بهمن
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۵). چشم انداز هند در محیط امنیتی، جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصل نامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره سیزدهم، پاییز
- عادلی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). نقش دیپلماسی نفتی در تحکیم امنیت ملی و بین المللی تهران: موسسه مطالعات اقتصادی و بین المللی روند
- عزتی، عزت ا.؛ ویسی، هادی (۱۳۸۵). تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خط لوله گاز ایران - هند، تهران: فصل نامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، تابستان
- کاوایانی راد، مراد و ویسی، هادی (۱۳۸۴). انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب شرق آسیا (فرصت ها و تهدیدها)، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱)، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، دی ماه
- کمپ، جفری و هارکاوای، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاور میانه، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشگده مطالعات راهبردی
- مادسن، جولیان (۲۰۰۷). جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین، مرکز پژوهشهای خلیج فارس (امارات متحده عربی)
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶). نیازهای امروز سرمایه داری در حوزه انرژی، تهران: همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۲، نیمه بهمن
- ملکی، عباس (۱۳۸۶). امنیت انرژی و درسهایی برای ایران، تهران: فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۲، زمستان
- موحدیان، رسول (۱۳۸۶). چشم انداز خاور میانه بزرگ (فراز و فرود دولت های ملی)، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران

موسوی شغایی؛ سید مسعود (۱۳۸۵). جایگاه سیاست انرژی در استراتژی امنیت ملی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش تحلیلی شماره ۱۴۵، مرداد ماه

نمایشی، علیرضا (۱۳۸۶). مناسبات دوجانبه ایران و چین، ریزن مطالعاتی ایران در چین، پکن، سفارت جمهوری اسلامی ایران  
وردی نژاد، فریدون (۱۳۸۶). مدیریت روابط انرژی میان ایران و چین، دومین میزگرد تخصصی بررسی راههای همکاری وزارت خانه های نفت و امور خارجه، تهران: موسسه مطالعات انرژی

خبرگزاری دویچه وله، (۲۰۰۹/۵/۲۷)

خبرگزاری شانا، (۱۳۸۸/۳/۲۲) و (۱۳۸۸/۴/۱)

روزنامه سرمایه، (۱۳۸۷/۵/۵)، شماره ۷۳۹

مهدیان، حسین، مصاحبه منتشر نشده با پیروز مجتهد زاده، ۱۳۸۸/۴/۱۰

- A.Khan, Haider(2008)China`s Development Strategy And Energy Security,UNU-Wider,Nop 2-3.  
BP Statistical Review of World Energy, 2009 (London,UK,June 2008) p 6-24. [www.bp.com](http://www.bp.com)  
BP Statistical Review of World Energy, 2008 (London,UK,June 2008) p 22, [www.bp.com](http://www.bp.com)  
Calder,Kent E,Sino-Japanese Energy Relation: prospects for Deepening Strategic Competition, SAIS/Johns Hopkins University Washington, D.C., march 2007, p 24-25.  
Charles Ebinger,About the energy Initiative, Brookings Institution Washington.D.C, 2007, p 2.  
EIA, Annual Energy Outlook 2008,DOA/EIA-0383(2008)(Washington, DC,June 2008 [www.eia.doe.gov/iea](http://www.eia.doe.gov/iea))  
EIA, Annual Energy Outlook 2009,DOA/EIA-0383(2009)  
EIA,world Energy Projections Plus, 2009, Table A1.  
Energy Information Administration (EIA), Office of Energy Markets and Use peojctions, 2006.  
Fujitomi, Masaharu, Energy Security Initiative : Asia Pasific Energy Research Cenre, Institute of Energy Economics, 2003, p 8.  
Jean, Marie Economics and Geapolitics of Energy, Centre de Geopolitique de l`Energie et des Matieres Premieres (CGEMP) , Universite Paris Duaphine, 2007, p1.  
Joffe, George, The Geopolitics of Energy Security, Geopolitics and Internatinal Boundaries Reasearch Centre School of Oriental and African Studies University of London,November 2007,p1.  
Lan, quan and paik, Keun-Wook, China Natural Gas Report (London : Royal Institute of International Affairs,1998), p 2-3.  
Oil & Gas journal Energy Database, except as noted for the United States 1,2009.  
Opec, World Oil Outlook, 2009, p 41.  
Oyama, Kosuke, Japanese Energy Security & Changing global Energy Markets, Keio university,May 2000.  
Srivastava, Leena&Mathur Riru, India`s Energy Security, FES Briefing Paper12,September 2007,p1.  
Tatsuo, Masuda, Energy Security Ties between East Asia & Central Asia Power Games or Partnership Tokyo Institute of Technology (Simot) University of Paris-Dauphine(CGEMA), Desember 2006,p1.  
Verrastro, Frank & Ladislaw, Sarah, Providing Energy Security in an Interdependent World THE WASHINGTON QUARTERLY AUYUMN 2007, P 96.  
Winstone, Ruth, Paul Bolton & Donna Gore, Energy Security, House 38 – of Commons Libt=rary, RESEARCH PAPER 07/42, 9 MAY 2007, P 1.  
Xuanli, Liao, Central Asia & China`s Energy Security, Central Asia-Caucasus Institue & Silk Road Studies Program, Volume 4, No.4 2006, p 68.  
<http://www.saipaonline.com/view-5117.html>  
[www.aftab.ae/overload.php](http://www.aftab.ae/overload.php)  
[www.hamshahrionline.ir/News/?id=91335](http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=91335)  
[www.petronews.ir/cgi-bin/admin/mt-comments.cgi](http://www.petronews.ir/cgi-bin/admin/mt-comments.cgi).